



(نقد نمایشگاه سروش کیایی براساس روش نقد کلاسیک)

نمایشگاه عکس‌های سروش کیایی

«اینجا: پردیس ولیعصر دانشگاه هنر»

سهیل ارجمند

سومین نمایشگاه انفرادی عکس‌های سروش کیایی با عنوان «اینجا: پردیس ولیعصر دانشگاه هنر» روز جمعه ۷ آبان‌ماه ۱۳۹۵ در گالری آرته گشایش یافت. در این نمایشگاه ۶۸ فریم عکس از میان ۴۰۰ فریم عکسی که در مدت یک سال و نیم گذشته با دوربین قطع متوسط Lomo LC-A 120 مجهز به لنز سوپر واید ۳۸ میلیمتری عکس برداری شده، انتخاب، اسکن، چاپ و در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفته است. عکس‌های این نمایشگاه به صورت رنگی و به شکل مربع به نمایش درآمده‌اند؛ ۲۰ قاب ۴۵ در ۴۵ سانتیمتری (در برگیرنده عکس‌هایی با ابعاد ۳۵ در ۳۵ سانتیمتر) و ۱۲ قاب ۶۰ در ۶۰ سانتیمتری (هرکدام شامل ۴ قطعه عکس ۲۰ در ۲۰ سانتیمتری). نمایشگاه «اینجا: پردیس ولیعصر دانشگاه هنر»، سومین نمایشگاه انفرادی سروش کیایی بعد از برگزاری نمایشگاه‌های «دیدنی دگرگون» (۱۳۹۰) و «معماری ایران ۸۳۰ نانومتر» (۱۳۹۴) در گالری آرته به شمار می‌رود.

سروش کیایی در بیانیه این نمایشگاه می‌نویسد: «اینجا محل زندگی من و امثال من است. شاید همه بگویند محل کار، ولی من می‌گویم زندگی، چرا که بیشتر وقت ما اینجا صرف می‌شود. این روزها خانه فقط خوابگاه است. صبح از خانه بیرون می‌زنیم و گاه تا دیروقت سرکار هستیم. ما شهروندان وابسته به محیط کار هستیم و نه سکنی‌گزیدگان در خانه.

سروش کیایی متولد ۱۳۵۴ و دانش‌آموخته رشته «مرمت آثار تاریخی و فرهنگی و تزئینات وابسته به معماری» در مقطع کارشناسی از دانشگاه هنر (دانشکده پردیس اصفهان) و رشته «عکاسی» در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه هنر تهران است. او عضو انجمن عکاسان صنعتی و تبلیغاتی و معماری ایران و انجمن ملی عکس ایران است و علاوه بر انجام پروژه‌های متعدد عکاسی برای موزه‌ها و سایت‌های تاریخی و کتاب‌های پژوهشی به تدریس رشته عکاسی در دانشگاه هنر تهران، دانشکده هنر دانشگاه سمnan، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران، دانشکده هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده هنر و معماری دانشگاه زابل و سایر مراکز آموزشی پرداخته است. سروش کیایی آثار عکاسی خود را در سه نمایشگاه انفرادی و نمایشگاه‌های گروهی گوناگون به نمایش گزارده است.

عنوان نمایشگاه بیننده را برای دیدن عکس‌هایی از فضای یک دانشگاه آماده می‌سازد؛ فضایی از «دانشگاه هنر». از آنجا که دانشگاه هنر یکی از معروف‌ترین و معتبرترین دانشگاه‌های هنر در ایران است، این انتظار برای بیننده ایجاد می‌شود که قرار است تصاویری از یک فضای زیبا با طراحی کاملاً هنری که درخور یک دانشگاه هنری باشد را ببیند و این آغاز تناقض و شاید اولین جرقه در ذهن عکاس برای تهیه این مجموعه از فضای موجود دانشگاه باشد. در اهمیت تأثیرگذاری **فضایی** که دانشجوی و استاد در آن به مباحثی چون زیبایی‌شناسی، معماری، تاریخ هنر و ... می‌پردازند نمی‌توان تردید کرد. چشم ورودی ذهن ما است و ذهن ما به راحتی تحت تأثیر آنچه می‌بیند قرار گرفته و به آن عادت می‌کند. پس زشتی و زیبایی که به واسطه چشم به ذهن ما وارد شده و جا خوش می‌کند را نباید دست کم گرفت؛ خاصه در فضایی آموزشی! در ادامه بیانیه نمایشگاه، سروش کیایی می‌افزاید: «محل کار من پردیس ولیعصر دانشگاه هنر است و مانند بسیاری از همکاران، معلمان و دانشجویان که در این سال‌ها آمده و رفته و بازهم می‌آیند. هر روز من در اینجا می‌گذرد. در و دیوار اینجا برای من خاطره دارد و برای خیلی‌های دیگر هم. فرم‌ها خود گویا هستند. آدم‌ها شاید همیشه در هیچ مکانی نباشند، می‌آیند و می‌روند. اما در و دیوار می‌مانند، تغییر می‌کنند، ولی همچنان باقی خواهند ماند. محل کار من سر و شکلش به دانشگاه نمی‌خورد، درحالی که اینجا یکی از قطب‌های آموزش هنر از سال‌های قبل از انقلاب اسلامی تاکنون بوده است. دانشکده هنرهای تزئینی را می‌گویم که تاریخی پرفرازونشیب را پشت سر گذاشته. روزی مجتمع شد و سپس مقر اصلی دانشگاه هنر و اکنون ...»

پس از خواندن این بیانیه روشن و صریح، توقع بیننده دچار افت می‌شود! برویم و عکس‌ها را ببینیم ... باورکردنی نیست! آیا به راستی اینجا همان دانشگاه هنر است که رؤیای هر پشت‌کنکوری علاقه‌مند به هنر می‌باشد؟!

سروش کیایی زوایای مختلفی از محل تحصیل خود را در میان قاب‌هایی با ما به اشتراک می‌گذارد: دیوارهایی آجری که با کلیشه و رنگ اسپری نقش‌هایی بسیار زشت بر آنها نقش بسته؛ از دست‌های سیاه و قرمز گرفته تا تصویری از چارلی چاپلین، از کسی که می‌خواسته فلک را سقف بشکافد اما توانش بیشتر از ایجاد آلودگی بصری بر دیوار دانشگاه نبوده است! البته که جای چسب مانده از پوستر قبلی بر دیوار از همان آلودگی‌هایی است که شاید چشم خیلی از افراد به آن عادت کرده باشد، حتی در فضای یک دانشگاه هنری. اگر از شلختگی در نگهداری این ساختمان همچون جارو و نردبان رها شده در راه‌پله و غیره هم بگذریم خود ساختمان هم معماری اصیل و شناسنامه داری ندارد چه برسد به هنری. راهروهای طویل و آسمانی که در میان ساختمان محصور شده است و سروش کیایی آن را بازنمایی کرده تداعی‌کننده فضایی همچون زندان است.



یک بار دیگر به پوستر نمایشگاه نگاهی می‌اندازیم؛ این بار با دقت بیشتر. بله نمی‌توان برداشت دیگری داشت، پیام بسیار صریح و آشکار و غیرقابل انکار است؛ تندیس آدمی تراشیده شده از چوب که گویی در محاصره و هجوم داربست‌های فلزی چاره‌ای جز با وحشت در خود فرورفتن ندارد!

عکس‌های سروش کیایی در این نمایشگاه را می‌توان به نوعی عکاسی مکان‌نگاری از نوع بسیار صریح آن دانست. عدم حضور انسان (دانشجویان) در عکس‌ها تأکیدی بر فضای مرده و بی‌روح دانشگاه دارد. بعید است خود عکاس علی‌رغم قاب‌بندی دقیق و نمایش صحیح پرسپکتیو انتظاری از بیننده برای یافتن نکات زیبایی‌شناختی در آن داشته باشد. اما به لحاظ مفهومی بسیار موفق عمل کرده و مخاطب را در مواجهه‌ای بی‌پرده در برابر واقعیت موجود قرار داده است.

پانویس: نگارنده اصل عکس‌ها را ندیده و تنها مرجعش عکس‌های کوچک دیجیتال روی اینترنت بوده است.